

موج تازه‌ای از کشتار در اوین

فدایی خلق فرامرز صوفی تیرباران شد

* کیومرث زرشناس، سعید آذرنگ و سیمین فردین از حزب توده ایران و چهار زندانی مجاهد خلق به جوخه اعدام سپرده شدند

* ۵۵ تن از زندانیان سیاسی که حکم اعدام آنها مورد تایید عالی‌ترین مقامات رژیم قرار گرفته است، به سلولهای انفرادی اوین منتقل شدند

در سحرگاه جمعه ۳۱ تیرماه، سینه هفت فرزند دیگر، آماج گلوله‌های دشمن جنایتکار شد. فدایی خلق فرامرز صوفی، چهره درخشان مقاومت در زندان اوین، در میان تیرباران شدگان بود. از میان زندانیان توده‌ای، دژ خیمان، کیومرث زرشناس، عضو کمیته مرکزی حزب و دبیر اول وقت سازمان جوانان توده ایران و سعید آذرنگ، کادر حزب و از قهرمانان ایستادگی در زندان را در روز جمعه تیرباران کردند. همراه با این مبارزان، چهار زندانی مجاهد خلق نیز در برابر جوخه اعدام قرار گرفتند. در روز چهارشنبه ۲۹ تیر نیز، سیمین بتیه در صحنه ۲

درود به رفیق قهرمان فرامرز صوفی

در صفحه ۲

در گلستان خاوران

در صفحه ۲



دوشنبه ۱۰ مرداد ۱۳۶۷ برابر ۱ آگوست ۱۹۸۸
بها ۶۰ ریال - سال پنجم - شماره ۲۱۸

رژیم خمینی درمانده‌تر از همیشه

رژیم خمینی درمانده‌تر از همیشه شده است. برای دستیابی به صلح و آزادی، خروش خلق پرطنین تر می‌شود. شعار صلح و آزادی، مرگ رژیم را نشانده گرفته است که فقها بر راس آن نشسته‌اند. فقها از اضطراب مرگ رژیمشان در عذاب فرو رفته‌اند. آنان که سرنوشت حکومت خود را با جنگ گره می‌زدند، اکنون در هراس از خیزش خلق و فروپاشی حکومت، در تلاشی برای گرداب جنگ رهایی یابند؛ جنگی که سیاه‌ترین جلوه این حکومت سیاهکار بوده است.

حال که رژیم فقها در ضعیف‌ترین و دشوارترین موقعیت تاریخ حیات خود می‌کوشد با رها کردن زوزه نفرت‌بار "جنگ، جنگ" تا پیروزی نظام بهم‌ریخته خود را به‌منظور رویارویی با مردم بتیه در صفحه ۶

مذاکرات جاری در سازمان ملل برای تعیین تاریخ آتش‌بس

روند برقراری آتش‌بس به روند برقراری صلح مانع پدید آورند. در هفته گذشته عراق تا حد اعلام این موضع پیش رفت که برقراری آتش‌بس را نیز منوط به مذاکره مستقیم کند. جمهوری اسلامی نیز هلی‌رغم این که مخالفت خود را با مذاکره مستقیم پس گرفته بود اما دوباره بنا بر کارشکنی گذاشت و اعلام کرد دست کم در مذاکرات جاری بر سر آتش‌بس از مذاکره مستقیم ابا دارد. بهانه‌تراشی‌های دو طرف در اواسط هفته گذشته در مورد نتایج مذاکرات جاری در مقر سازمان ملل در نیویورک ابهام پدید آورد. در اواخر هفته ظاهراً توافق‌هایی ایجاد شد. موضوع مذاکره مستقیم در دور جاری منتفی گردید و به پس از برقراری آتش‌بس و احتمالاً پس از مبادله اسرا محول شد. جو مذاکرات نیویورک در همین حال بتیه در صفحه ۷

در هفته گذشته وزرای خارجه جمهوری اسلامی و عراق به دعوت خاویر پریز دو کوئیار دبیرکل سازمان ملل به نیویورک رفتند تا دبیرکل پس از مذاکره با آنان دریافت گزارش هیات فنی اعزام شده به تهران و بغداد، تاریخ قطعی آتش‌بس را تعیین کند. هیات فنی به سرپرستی ژنرال نوژی مارتین وارسست هفته گذشته وارد تهران شد و پس از انجام بررسی‌های خود در ایران روز جمعه ۲۹ ژوئیه به عراق رفت. خاویر پریز دو کوئیار در روز سه‌شنبه هفته گذشته (۲۶ ژوئیه) اعلام کرد که ظرف یک هفته تا ده روز ممکن است در جبهه‌های جنگ ایران و عراق آتش‌بس برقرار شود. با این که دیگر برقراری آتش‌بس در ظرف روزهای آینده قطعی شده است، اما هردو رژیم در این زمینه کارشکنی می‌کنند و بویژه بنا را بر آن گذاشته‌اند که در راه تبدیل

ریگان: "بهترین زمان برای مذاکره با جمهوری اسلامی"

مذاکرات، مسائل بسیار مهم‌تری از گروگانهای آمریکایی در لبنان است و اگر این گروگانها نیز نبودند، طرفین مداخل دیگری برای گشودن باب مذاکره پیدا می‌کردند. هرچند سخنگوی کاخ سفید پیشنهاد رفسنجانی برای معامله اسلحه گروگان را رد کرد، اما اخبار و شواهد حاکی است که در روزها و هفته‌های آینده، تحولی جدی در روند گسترش مناسبات تهران و واشنگتن می‌تواند روی دهد. در برخی گزارشهای مطبوعات غربی آمده است میان نمایندگان جمهوری اسلامی و آمریکا در آستانه اعلام تسلیم جمهوری اسلامی به قطعنامه ۵۹۸، درآمستردام ملاقات مخفی صورت گرفته است.

اظهارات، کارلویچی تاکید کرد ناوگان آمریکا در خلیج فارس باقی خواهد ماند. رفسنجانی نیز در یک مصاحبه با خبرنگاران آمریکایی باردیگر به مذاکره تلویزیونی با آمریکا پرداخت و پیشنهاد سابق خود را در مورد معاوضه گروگانهای آمریکایی در لبنان با سلاحهای خریداری شده توسط شاه که در آمریکا ضبط شده‌اند، تکرار کرد. ولایتی وزیر خارجه رژیم نیز در نیویورک اشاره کرده بود که جمهوری اسلامی "به دلایل انسانی" برای آزادی گروگانهای آمریکایی خواهد کوشید.

در این میان، از چشم کسی پوشیده نیست که موضوع

هفته گذشته رادیو آمریکا از قول ریگان رئیس‌جمهور این کشور گفت اکنون بهترین زمان برای مذاکره با جمهوری اسلامی است. این سخن ریگان، تنها یک نمونه از اظهار تمایل آشکار طرفین به نزدیک‌تر کردن روابط بدنبال پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی رژیم خمینی است.

فرانک کارلویچی وزیر دفاع دولت ریگان در واشنگتن اظهار داشت کشورش آماده مذاکره مستقیم با حکومت ایران است و بدین منظور، رژیم ایران باید نمایندگان رسمی خود را معرفی کند و تنها به ابراز تمایل برای دریافت بیشتر اسلحه یا "مسائل مشابه" اکتفا ننهد. در همین

در این شماره

فروش کردن درگیری‌های جنگی

در صفحه ۷

نقش و جایگاه اعتبارات یوزانس در اقتصاد کشور

در صفحه آخر

می‌خواهم بچه‌هایم به روشنائی برسند

در صفحه ۸

تلاش برای حل سیاسی مسئله کامبوج

در صفحه آخر

موج تازه‌ای از کشتار در اوین

آنها در برابر پایداری قهرمانان زندانهاست، گواهی بر موقعیت به شدت تضعیف شده رژیم و هراس آن از آینده است. از میان جنگ و سرکوب، دو پایه اصلی که فقها حکومت خود را بر آن استوار کرده‌اند، اولی دیگر به فایت سست شده و در حال فرو ریختن است. پس باید همه اتکار به دومی منتقل کنند: سرکوب، جنایت و ددمنشی بیشتر. این است پاسخ جمهوری اسلامی به دشواریهای مرگباری که با آن دست به گریبان است. آری، شکست مفتضحانه خمینی در جنگ، شکست یک رکن اصلی حکومت او است. اما گرگ زخم خورده از همه گرگها

بقیه از صفحه اول
فردین، از زندانیان زن توده‌ای، بدست دژخیمان تیرباران شد. صفحه‌ای دیگر از جنایات بیشمار خمینی و رژیم فتنه‌مآلود، شمار بنا به گزارشهای موثق، شمار زندانیانی که به گفته مقامات خود رژیم، حکم اعدام آنها مورد تایید عالی‌ترین مقامات جمهوری اسلامی قرار گرفته است، به ۵۵ تن بالغ می‌شود. این هده چندی پیش همگی به سلولهای انفرادی اوین منتقل شده‌اند. اینک، دژخیمان نخستین گروه از این فرزندان خلق را کشته‌اند.
جنایت جدید حکومت خونریز فقها، شامدی دیگر بر هجز و زبونی

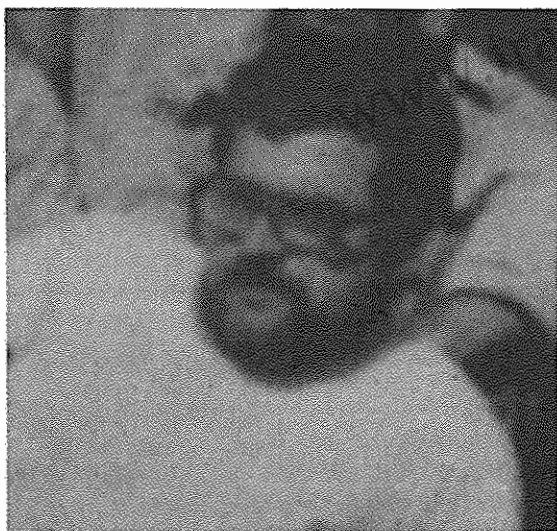
هر جنایتی از آن قابل تصور است. بپا خیزیم و بر خروشیم! نگذاریم بیش از این، یارانمان را به خاک افکنند! دستها را به دست هم دهیم و یکپارچه به دفاع از جان زندانیان سیاسی ایران اقدام کنیم!

در خارج از کشور، امکانات گسترده‌ای برای تلاش جهت جلب همبستگی جهانی با زندانیان سیاسی ایران وجود دارد. این امکانات را دریابیم و از آن، برای هر چه رستار کردن صدای مظلومیت مردم‌مان بهره گیریم. هر چه صفوف خود ما فشرده‌تر باشد، هر چه یک زبان ترخواهان حمایت از زندانیان سیاسی شویم، صدایمان طنین بیشتری دارد. لحظات را دریابیم! آنچه را در توان داریم، برای نجات جان یارانمان بکار گیریم! هر اعتصاب غذا، هر راهپیمایی، هر مراجعه به احزاب و سازمانها و شخصیت‌ها برای گوشزد کردن خطری که جان زندانیان سیاسی ایران را تهدید می‌کند، موثر است. به مسئولیت خود، عمل کنیم.

درنده‌تر است. رژیم خمینی، با تیرباران جمعی دیگر از زندانیان سیاسی نشان داد که در دوره‌ای که در پیش است، می‌خواهد با چه زبانی به مردم پاسخ دهد، مردمی که می‌خواهند از رژیم تقاص یک میلیون کشته و دهها شهر و هزاران روستای ایران و اقتصادی فروریخته و جامعه‌ای بیمار را بگیرند. مردمی که شادمانی از دورنمای صلح را با نفرت و انزجار بیشتر از جنگ طلبان، مسببان این همه کشتار و ویرانی، درهم می‌آمیزند. آری، رژیم بنابه ماهیت خود چاره‌ای جز تشدید سرکوب ندارد. حکومت فقها، که از مردم هزاران گروگان دارد، به اندازه کافی درنده‌خونیز هست که در هر زمان که نیازش اقتضا کند، گروه دیگری از زندانیان سیاسی را تیرباران کند.

بر دستان این جنایتکاران، تنها با تهدید مبارزه است که می‌توان دستبند زد. یارانمان دربندند. در اسارت دژخیمانی که دریایی از خون، میان آنها و مردم فاصله افکنده است. در اسارت رژیمی که

درود به رفیق قهرمان، فرامرز صوفی!



هند انجمنهای دانشجویی تشکیل شد. تظاهرات و اعتصابات علیه رژیم شاه در هند، از سوی "فریاد" سازماندهی می‌شد.
رفیق فرامرز در سال ۱۳۵۸ با پایان تحصیلاتش و اخذ مدرک پایانی مهندسی کشاورزی، به میهن بازگشت. او در آمل به تدریس در هنرستان فنی پرداخت و تا پیش از اخراجش، به این شغل ادامه داد. اعضا و هواداران سازمان در مازندران، فعالیت خستگی‌ناپذیر او در تشکیلات این استان را که تا سال ۱۳۶۲ ادامه داشت، به خوبی بیاد دارند. فرامرز در سال ۶۲ به تهران منتقل شد و از آن پس، مسئولیت‌های مهمی در سازماندهی گروههای مرکزی تشکیلات مخفی سازمان برعهده گرفت. در روزهای سختی

رفیق فرامرز صوفی، سی و هفت سال پیش در رشت زاده شد. نخستین تجارب رفیق در نبرد با دیکتاتوری، مراسم یادبود جهان پهلوان تختی و نیز در اعتصاب سال ۴۸ علیه گران شدن بلیت اتوبوسها گرد آمد. او در تشکلهای دانش آموزی و دانشجویی فعالیت می‌کرد. هویت فرامرز پس از تشکیل یک گروه مطالعاتی و بدنبال یک همبلیات پخش اعلامیه، برای ساواک آشکار شد. وی، به ناچار به هند مهاجرت کرد. فرامرز در هند به تحصیل پرداخت و همزمان با آن، نخستین تشکل دانشجویی هوادار سازمان را با نام "فریاد" بنیاد گذاشت. "فریاد" جنبش دانشجویان ایرانی در هند را رهبری می‌کرد. توسط همین سازمان، در سراسر

از ارزشمندترین رفقای ما دست یافت. فرامرز در زندان، نشان داد که قهرمان سخت‌ترین روزهاست او را به شدت شکنجه کردند تا اسرار خلق را باز گوید و به آرمانش پشت کند. فرامرز چنین نکرد، و تا لحظه‌ای که گلوله‌های دژخیمان، سینه‌اش را دریدند، با سربلندی ایستاد.
یادش گرامی باد.

که گرازهای رژیم، تورهای تعقیب و مراقبت خود را برای بدام انداختن فعالین فدایی گسترده بودند، در روزهایی که پخش حتی یک اعلامیه، خطر دستگیری را به همراه داشت، فرامرز و همزمانش پرچم سازمان را در تهران برافراشته نگه داشتند. وقتی فرامرز در جریان ضربات سال ۶۵ دستگیر شد، ساواک خمینی به یکی

در گلستان خاوران

مرگوشه‌ای از این خاک، به خون یارانمان رنگین است. لاله‌هایی که بر دشتهایمان می‌دمند، سرخ‌فامی از آتشی دارد که مشعل زندگی حیدر و ارانی و روزبه و بیژن و مسعود و حمید و رضی و انوش و... در این سرزمین برافروخته است. آری، این خاک به اشک و خون آغشته است. مادران بر این خاک خون گریسته‌اند...

گلستان خاوران، در ۱۳ کیلومتری میدان افسریه و در جاده قدیم مشهد، گوشه‌ای از این خاک است از سال ۱۳۶۰، جنایتکاران، اجساد انقلابیون کمونیست و آندسته از مجاهدان خلق را که در درگیری با باخوردن سیانور به شهادت رسیده‌اند، در قطعه‌ای از گورستان خاوران دفن می‌کنند. گورها از شمار خارج است. نزدیک به نیمی از شهدا شناسایی شده و بسیاری نیز ناشناس مانده‌اند. مزار شهدای ناشناس، به تدریج بر اثر باد و باران با زمین هم سطح می‌شود. در این گورستان، تعداد زیادی گور دسته‌جمعی و یک کانال که با بولدوز حفر و تعداد زیادی جنازه در آن دفن کرده‌اند، وجود دارد. مبارزانی که در درگیری‌های خیابانی کشته شده‌اند، اکثراً به صورت

گرامی باد یاد شهدای توده‌ای!

درج اطلاعاتی از سوی هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب، خبر داد که رفیق انوشیروان ابراهیمی دبیر کمیته مرکزی و عضو هیات اجراییه وقت حزب نیز در زندان تیرباران شد. در اطلاعیه مزبور آمده است: «حاکمیت ددمنش جمهوری اسلامی برای خشکاندن ریشه‌های ایمان این مبارز توده‌ای، فرزند فدakar خلق آذربایجان، بسیار تلاش کرد... سرانجام حکم اعدام او، که از چندی پیش صادر شده بود، به اجرا در آمد».

رفیق ابراهیمی در سال ۱۳۵۶ بدنیاء آمد. در سال ۵۴ به عضویت کمیته مرکزی حزب درآمد و در سال ۵۷ در آستانه بازگشت به میهن به عضویت هیات اجراییه و هیات دبیران برگزیده شد. وی در سال ۶۲ در یورش سراسری به حزب توده ایران دستگیر گردید و تا زمانی که توسط رژیم جنایتکار خمینی به جوخه اعدام سپرده شود، در زندان ماند.

پیش از این نیز «نامه مردم» در شماره ۲۵۹ خبر داد که رفیق ابوالفضل پورحبيب یکی از اعضای حزب توده ایران پس از سالها اسارت در سیاهچالهای خمینی تیرباران گردید. این جنایت ددمنشانه رژیم خمینی نشانه جز و درماندگی در برابر پایداری و استواری این توده‌ای دلاور بود. وصیت‌نامه پورحبيب با این شعر پایان می‌یابد:

خوشبهار بر آیندگان و گل چینان
نصیب ماست اگر خوشه‌های خون چین

کمیته مرکزی حزب توده ایران در اعلامیه‌ای مورخ ۴ مرداد ۱۳۶۷، ضمن اعلام خبر اعدام رفیق فدایی فرامرز صوفی و رفقای توده‌ای، کیومرث زرنشاس، سیمین فردین و سعید آذرنگ، خاطر نشان کرد: «پنج‌جاه و پنج نفر از زندانیان سیاسی که حکم اعدامشان تایید شده است به سلولهای انفرادی برده شده‌اند و قرار است احکام درباره آنان به مورد اجرا گذاشته شود. رفقا زرنشاس، فردین، آذرنگ و صوفی با روحیه‌ای قوی و سرهای برافراشته و پایبندی به آرمانهای والای انقلابی خود، به استقبال مرگ رفتند».

سعید آذرنگ در بهمن ۱۳۶۱ دستگیر شد. وی حدود دو سال را در کمیته مشترک گذراند و سپس در اوین، در سالنهای ۳ و ۱، بند آسایشگاه و در این اواخر، در سالن ۳ بالا، در اسارت بود. سعید بیش از نیمی از دوران زندان خود را در انفرادی می‌گذراند. وی، سرمشتی از مقاومت و مایه افتخار همه زندانیان بود. سعید در آبان ۶۵ همراه با فدایی شهید، محمود زکی‌پور اعتصاب غذای ۲۵ روزه را آغاز کرد و ۴ روز را به حالت اهما گذراند. او در سال گذشته بیش از ۶ ماه با فدایی کبیر، انوشیروان لطفی، در یک سلول بود و به انوش که دیگر یارای کارهای سخت جسمانی را نداشت، کمک می‌کرد. از سعید که زندانی سیاسی دو رژیم شاه و خمینی بود، پسری ۸ ساله و همسری مبارز به یادگار مانده است.

«نامه مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران در شماره ۲۱۷ با

دسته‌جمعی دفن شده‌اند.

در زیر این قطعه خاک، چه یلانی آر می‌دهاند: سعید سلطانپور، موسی خیابانی، رضی‌الدین تابان، بیژن چهارازی، جهانگیر بهتاجی، اشرف ربیعی، محمدرضا سپاسی آشتیانی، رحیم سلیمانی، محمود زکی‌پور، انوشیروان لطفی، رضا فبرایی، ابراهیم لطف‌الله‌زاده، روزبه آبکاری، پروین آبکاری و... در تمام این گلستان، یک درخت هم نیست. اما هجر گلهای در آن موج می‌زند...

جمعه‌ها، میعادگاه خانواده شهدا و زندانیان سیاسی در گلستان خاوران است. گرد هم می‌آیند، از عزیزانشان می‌گویند، از دلاورانی که به خاک افتاده‌اند، از شیرانی که در بندند مادران رنج کشیده، همسران دافدار، فرزندان پدران و مادرانی که فدای خلق شدند، همه را در اینجامی‌توان دید. هم می‌آیند، سرود می‌خوانند. جمعه‌ها، گز مه‌های رژیم جرات نزدیک شدن به جمع خانواده‌ها را ندارند...

آن روز نیز جمعه‌ای بود...

چهارشنبه پیش از آن، رفقا فرامرز صوفی، کیومرث زرنشاس و سعید آذرنگ با خانواده‌های خود تماس تلفنی می‌گیرند. فرامرز به همسرش می‌گوید: «منصوره جان سلام. این آخرین تلفن من است. از تو می‌خواهم که طراوت و جوانیت را از دست ندهی و مواظب نسترن و یاسمن باشی. من آرزوی خوشبختی ترا دارم». همسرش، بهت زده و ناباور است: «من باور نمی‌کنم، نه، باور نمی‌کنم». بار دیگر، آن صدای استوار است که از آن سوی خط شنیده می‌شود: «همیز من، واقع بین باش. بین من چقدر خون سردم و محکم و استوار. تو همینطور باش... از مادر و خواهرم خیلی تشکر کن. دوست داشتم با آنها صحبت کنم، ولی نشد. بیا قدری به اولین آشناییمان بیاندیشیم، خوب؟ پس بخند! نه، اینطور نیست؟ ترانه «مرا بیوس» را برای تو و همیزانم، نسترن و یاسمن می‌خوانم. محبوبم، بدرود...» و ارتباط قطع شد.

سعید آذرنگ از قهرمانان زندان است. او نیز در همان روز چهارشنبه با خواهرش تماس تلفنی می‌گیرد: «من به افتخار به روز آرامش و آسودگی رسیدم. برای من گریه نکنید و سیاه نپوشید، زیرا با گردن بلند و افراشته ایستاده‌ام. به مادرم بگو دوستش دارم. به پدر بگو دوستش دارم و به وجود شما افتخار می‌کنم. من همه را دوست دارم و خوشحالم که کاری انجام ندادم که شما را سرافکنده کنم. به خواهران و برادرانم بگویید دوستشان دارم. گردن‌هایتان را افراشته نگه دارید. به آرشم، به پسر گلم بگویید دوستش دارم و می‌خواهم فرزند سعید باشد. به گیتی بگو مانند همیشه دوست دارم و تا آخرین لحظه حیات در قلبم هستی...» (گیتی، همسر سعید، محکوم به ۱۲ سال زندان شده است و در بند است)

سیمین را صبح چهارشنبه اعدام کرده‌اند. گوری تازه در کنار پروین گلی آبکاری، و سه قبر آسوتر از مزار محمود زکی‌پور.

پس از تماس تلفنی، چهارشنبه و پنجشنبه خانواده‌های فرامرز و کیومرث و سعید به زندان مراجعه می‌کنند، اما جوابی نمی‌گیرند. بر خورد جسورانه آنها، زندانیان را به هراس افکنده است.

آن روز نیز جمعه‌ای بود...

خانواده‌ها به گلستان خاوران آمده‌اند. خانواده‌های سه رفیق، همراه با خانواده‌های دیگر شهدا، چشم به راه عزیزان خود ساعت ۸ و ۳۰ دقیقه، آمبولانس حامل اجساد سه رفیق، همراه با اتومبیل «پاترول» مزدوران به خاوران می‌رسد. نفس‌های سینه‌ها حبس می‌شود. سعید، که در همه روزهای در هم شکستگی جسمی و زمین گیر شدن انوش، یار و یاور او بود، نتوانست دوری هم بند خود را تحمل کند. آمبولانس، بر مزار انوش می‌ایستد و گورکن، دست به کار می‌شود. ۳ قبر کم‌عمق می‌کنند و در حالیکه مزدوران، اتوبوس‌ها را مانع دید خانواده‌ها قرار داده‌اند، سعید را در کنار انوش، کیومرث را در کنار حاجت محمدپور و فرامرز را در کنار کیومرث قرار می‌دهند. به سرعت روی جنازه‌ها خاک می‌ریزند و زیر نگاه خمچین و پراز کین خانواده‌ها متواری می‌شوند. ظرف چند لحظه، گلهای روی سایر گورها که خانواده‌های دیگر آورده‌اند، جمع شده و بر مزار شهدای تازه رسیده نثار می‌شود. مزدوران برمی‌گردند و به خانواده‌ها می‌گویند فاتحه‌تان را بخوانید و بروید. جواب می‌گیرند: «ما برای اینها فاتحه نمی‌خوانیم، درود می‌فرستیم». یکی از میان جمعیت، فریاد می‌زند: «همر جمهوری اسلامی به پایان رسیده». مزدوران، با اسلحه از اتومبیل پیاده می‌شوند تا فرد مزبور را بیاورند، اما کاری از پیش نمی‌برند و سرافکننده خاوران را ترک می‌کنند. باز، گل است که نثار شهدای تازه می‌شود. باز، سرود است که در گلستان طنین می‌افکند...

ورود ۳۵۰ کودک بی سرپرست ایرانی در طی یک ماه به آلمان فدرال

هر هواپیمای مسافربری که از مبدأ ایران وارد فرودگاه فرانکفورت آلمان فدرال می شود شماری دختر و پسر کم سن و سال بی سرپرست همراه دارد. این کودکان و نوجوانان را پدر و مادرشان در ایران به امید آنکه جان آنان را از جهنم خمینی ساخته نجات دهند، سوار هواپیما می کنند و به خارج از کشور می فرستند. به گزارش خبرگزاری آلمان فدرال، اداره حفاظت مرزی این کشور در هفته گذشته اعلام کرد که تنها طی ماه جاری (ژوئیه) بیش از ۳۵۰ پسر بچه و دختر بچه ایرانی بدون اینکه پدر و مادرشان را همراه داشته باشند، از طریق فرودگاه فرانکفورت وارد آلمان فدرال شده اند. متوسط سن همه این کودکان و نوجوانان بین ۷

تا ۱۵ سال ذکر شده است.

طبق نوشته مطبوعات آلمان فدرال این کودکان را که هر یک جگرگوشه یک خانواده ای هستند در تهران و یا ترکیه سوار هواپیمایی کنند تا آنان را از خطر بمباران و اهزام به جبهه دور کنند. هر کودک یادداشتی همراه دارد که در آن از سازمان های بین المللی و از جمله سازمان جهانی حمایت از کودکان و وابسته به سازمان ملل درخواست کمک شده است. علاوه بر این دسته ای دیگر از نوجوانان ابتدا توسط قاچاقچیان از طریق راهها و کوههای صعب العبور مرزی به پاکستان و ترکیه اهزام می شوند تا در مرحله بعدی امکانات ورود به کشورهای اروپایی فراهم شود.

وضعیت خرید و فروش سکه طلا و ارز در بازار تهران

تحولات قیمت ارز آزاد در بازار تهران که از یک هفته پیش آغاز شده است، هم چنان ادامه دارد و بهای مبادلاتی ارز و سکه طلا شدیداً در حال نوسان است.

بر اساس گزارشهای اقتصادی، هفته گذشته در بازار تهران اکثر صرافان و دلان ارز و سکه طلا به علت سیر نزولی ارزش ارزهای عمده، از فروش سکه طلا و ارز خودداری کردند و تنها به جمع آوری و خرید مشغول بودند.

روند کاهش ارزش ارز و طلا در بازار که در پی اعلام رسمی پذیرش قطعنامه ۵۹۸، صورت گرفت با حمله عراق به نیروگاه اتمی بوشهر و تحولات تازه در جبهه ها متوقف گردید. ارزیابی های اقتصادی حاکی ست که اعلام تاریخ

فروش نفت ارزان به فرانسه

نمایندگان شرکتهای عمده نفتی فرانسه (بی پی، ایل، شل و توتال) در دیدار با هیات بازرگانی جمهوری اسلامی در پاریس اعلام کردند در صورتی که جمهوری اسلامی بهای نفت خام صادراتی خود را تا سطح قیمت قابل رقابت در بازارهای نفتی کاهش دهد، این شرکت ها با پیشنهاد خرید نفت از ایران موافقت خواهند کرد.

به نوشته هفته نامه "پتر و استراتیز" که در پاریس منتشر می شود، در دیدار هیات بازرگانی جمهوری اسلامی و مقامات فرانسوی که اوایل ماه جاری در فرانسه صورت گرفت، طرفین توافق کردند که ایران در قبال ۵۰۰ میلیون دلار نفت صادراتی به فرانسه، ۳۵۰ میلیون دلار مواد غذایی که شامل گوشت، غلات و... وارد کنند.

در دیدار هیات بازرگانی ایران، همکاری جمهوری اسلامی با فرانسه در زمینه اکتشاف، بهره برداری و پالایشگاه نیز مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. مقامات فرانسوی جمهوری اسلامی را به افزایش تولید نفت خام تا سطح ۵/۲ میلیون بشکه در روز تشویق کرده اند. هیات ایرانی متشکل از نمایندگان شرکت ملی نفت ایران، وزارت بازرگانی و بانک مرکزی بودند.

توقف جنگ مطبوعاتی
روزنامه های رسالت و کیهان

روزنامه های رسالت و کیهان سلسله مقالاتی را زیر عنوان "تحریف، تخریب و افترا جهت پاسخگویی به افشاگریها، قدرت طلبی ها و باندبازیهای یکدیگر منتشر می کردند، در آستانه پذیرش رسمی قطعنامه ۵۹۸ متوقف ساختند. هر دو روزنامه علت توقف جنگ تبلیغاتی را "ترجیح وظیفه مهمتر" و "دفاع از نظام" بر "وظیفه شرعی و اجتماعی" ذکر کردند.

روزنامه رسالت شنبه ۲۵ تیر، زیر عنوان "چرا این مقالات را ادامه نمی دهیم؟" نوشت: "حوادث و اتفاقاتی که در هفته های اخیر پیش آمد... و هشدار حکیمانه امام امت به همه نیروهای انقلاب اسلامی سبب شد که شور و حال دیگری... پدید آید.

در چنین شرایط حساسی بسیاری از وظایف و مسئولیت های عادی را باید رها کرد و برنامه جدیدی را برای مبارزه با خطر در نظر گرفت.

سفر تیم ملی کشتی جوانان
به اتریش لغو شد

سفر تیم ملی کشتی جوانان ایران به اتریش برای شرکت در مسابقات قهرمانی جوانان جهان دو هفته پیش به دستور دولت لغو شد. تصمیم دولت مبنی بر لغو سفر تیم ملی جوانان به اتریش در کمتر از ۱۲ ساعت قبل از هزینه کاروان ورزشی جوانان به مسئولان ورزشی ابلاغ شد و از حضور جوانان ایرانی در مسابقات جهانی کشتی جلوگیری شد.

لغو سفر تیم ملی جوانان در شرایطی صورت گرفت که کشتی گیران اردوی آمادگی را طی کرده و تمام مقدمات حضور آنان در اتریش تدارک شده بود. اما رژیم در هراس از ناتوانی از کنترل هیات ورزشی جوانان در خارج از کشور، به بهانه "نامناسبی برنامه" از خروج آنان مناعت کرد.

یک هفته بعد از اقدام فوق، هیات فوتبال استان تهران نیز با تصویب آئین نامه انضباطی فدراسیون فوتبال محدودیت تازهای را برای جلوگیری از انعکاس اعتراض ورزشکاران ایجاد کرد.

طبق یکی از مواد این آئین نامه، باشگاه ها و یا بازیکنانی که از همکاری با تیمهای ملی، تهران الف و ب، جوانان و نوجوانان خودداری کنند، از شرکت در یک دوره کامل مسابقات باشگاهی محروم می شوند. جمهوری اسلامی به این وسیله می کوشد آن دسته از ورزشکارانی که حاضر به پذیرش تحمیلات و محدودیت رژیم برای شرکت در تیم ملی نیستند، مرعوب سازد. تاکنون دهها ورزشکار رشته های مختلف ورزشی در اعتراض به رژیم از حضور در بازیهای ملی استعفا داده اند.

آلودگی میکروبی و شیمیایی
سبزیجات مصرفی در تهران

به گزارش مطبوعات دولتی، اهالی تهران به علت آلودگی میکروبی و شیمیایی سبزیها و صیفی جات عرضه شده در بازار دچار اضطراب و نگرانی شدیدی هستند و اکثراً به خاطر عدم دسترسی به مواد پاک کننده، از مصرف سبزیجات محروم شده اند. مطبوعات جمهوری اسلامی نوشته اند که "موضوع جنبه همگانی به خود گرفته و به صورت حاد جلوه گر شده است. بطوری که مصرف کنندگان مواد غذایی در تهران منتظر خبر رسمی از سوی مقامات وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی هستند."

گزارشی که از وضع بهداشت تهران در روزنامه های دولتی به چاپ رسیده است نشان می دهد که یکی از ملل آلودگی میکروبی و شیمیایی سبزیجات، آلودگی آب شهر تهران است. از ۱۰۰ نمونه آب تهران که ۳۳ نمونه آن از شمال، ۳۳ نمونه از جنوب و بقیه از شرق و غرب شهر جهت بررسی انتخاب شده بود، هر یک از نمونه ها با اختلاف ناچیزی به کرم هایی از جمله کرم آسکاریس و تخم کرم قلابدار آلوده بودند.

بخشی از منظومه مرغ آمین اثر نیما

....

مرغ می گوید :

« به سامان باز آمد خلق بی سامان

و بیابان شب هولی

که خیال روشنی می برد با غارت

و ره مقصود در آن بود کم ، آمد سوی پایان

....

خلق می گویند :

« بادا باغشان را در شکسته تر

هر تنی زانان ، جدا از خانماتش ، برسکوی در ، نشسته تر ،

وز سرود مرگ آنان ، باد

بیشتر بر طاق ایوان هایشان قندیلها خاموش . »

« بادا ! » يك صدا ازدور می گوید

و صدایی از ره نزدیک ،

اندر آنبوه صداهای به سوی ره دویته :

« این ، سزای سازگارانشان

باد ، در پایان دورانهای شادی

از پس دوران عشرت بار ایشان . »

مرغ می گوید :

« این چنین ویرا نکیشان ، باد همخانه

با چنان آبادشان از روی بیدادی . »

« بادشان ! » (سرمی دهد شوریده خاطر ، خلق آوا)

« باد آمین !

و زبان آنکه بادرد کسان پیوند دارد بادگویا !

« باد آمین !

و هر آن اندیشه ، در ما مردگی آموز ، ویران !

« آمین ! آمین !

و خراب آید در آوار غریو لغت بیدار محرومان

هر خیال کج که خلق خسته را بآن نخواها نیست .

و در زندان و زخم تازیانه های آنان میکشد فریاد : « اینک درد ! اینک زخم . »

(گر نه محرومی کجیشان راستاید

ورنه محرومی بخواه از بیم زجر و حبس آنان آید)

« آمین !

در حساب دستمزد آن زمانی که بحق گویان

بسته لب بودند

و بدان مقبول

و نکویان در تعب بودند . »

« آمین !

در حساب روزگارانی

کز برره ، زیر کان و پیشینان را به لبخند تمسخر دور می کردند

و به پاس خدمت و سودایشان تاریک

چشمه های روشنایی کور می کردند . »

« آمین !

« با کجی آورده های آن بدانیشان

که نه جز خواب جهانگیری از آن می زاد

این به کیفر باد ! »

« آمین !

« با کجی آورده هاشان شوم

که از آن با مرگ هاشان زندگی آغاز می کردید

و از آن خاموش می آمد چراغ خلق . »

« آمین !

« با کجی آورده هاشان زشت

که از آن پرهیز کاری بود مرده

و از آن رحم آوری و اخورده . »

« آمین !

« این به کیفر باد

با کجی آورده هاشان تنگ

که از آن ایمان به حق سوداگران را بود راهی نو ، کشاده در پی سودا

وز آنان ، چون بر سریر سینهی مرداب ، از ما نقش مرجا . »

« آمین ! آمین !

و به واریز طنین هر دم آمین گفتن مردم

(چون صدای رودی از جا کند ، اندر صفحهی مرداب آنکه گم .)

مرغ آمین گوی

دور می گردد

از فراز بام

در بسط خطهی آرام ، می خواند خروس از دور

می شکافد جرم دیوار سحر گاهان

وز بر آن سرد دود اندود خاموش

هر چه ، با رنگ تجلی ، رنگ در پیکر می افزاید

می گریزد شب

صبح می آید .

بته از صحنه اول

رژیم خمینی

بازسازی کند، مردم مبارزه را به هزم نابودی کل این نظام شدت می دهند. در بسیج و موقعیت رژیم باید برای گسترش مبارزه با هدف نابودی این رژیم بی آینده و درهم شکستن این نظام انتظام ناپذیر بهره گرفت. پیشبرد پیروزمند و ظالمانه انقلابی در این لحظات می تواند پایه استواری برای براندازی رژیم فقها برپا کند.

*روز ۲۵ خرداد جلوی سینما فلسطین، پس از پایان یک سانس، وقتی تماشاچیان از سینما خارج می شدند، اعلامیه شهادت رفیق انوش را پخش کردیم. پخش خیلی سریع صورت گرفت. پس از مدتی پاسداران رسیدند که اعلامیه ها را جمع کنند. چیزی گیرشان نیامد. خانمی مسن و چادری اعلامیه را ناشیانه زیر چادر قایم کرده بود. پاسداران دیدند اما در میان آن جمعیت جرات نکردند چیزی بگویند.

میان کارگران کارخانجات پارس مینو و ایران پاسا پخش کردیم. رفقای موتورسوار ما این کار را در حین خروج کارگران از کارخانه در محل ورودی کارخانه انجام دادند. این کار مورد استقبال شدید کارگران واقع شد. آنها بدون واژه اعلامیه ها را می گرفتند.

در محوطه یک مجتمع مسکونی، بچه ها مشغول بازی بودند. رفقای پخش به هر یک از آنها یک اعلامیه دادند و گفتند بپزید خانه هایتان و بخوانید. بچه ها در حالیکه اعلامیه ها را سردست گرفته بودند، با سروصدا و دوان دوان به طرف خانه هایشان به راه افتادند.

به غیر از ویژه نامه

"به یاد قهرمان" حدود

۲۰۰۰۰ تراکت و اعلامیه

به شکل کاملاً موثر پخش کردیم. در میدان انقلاب در یکی از ساعات شلوغ صدها اعلامیه از بالای یک ساختمان به پایین ریخته شد. مردم اعلامیه را برمی داشتند و در جیب می گذاشتند.

دو روز بعد صدها تراکت از پل

تابنده باد مشعل رزم فدائیان!

در این راستا فدائیان

خلق آنچه را که کرده اند

پر شورتر دنبال می کنند.

در ماههای اخیر با تشدید مصائب مردم از جنگ و اوج یابی نفرت توده های از رژیم، فعالیت های، افشاگرانه و سازمانگرانه فدائیان خلق گسترش بیش از همیشه یافته است. این کار به رغم شرایطی این همه دشوار و به رغم سرکوبی آن همه، دهشتناک پیشرفته است. در بازتاب این فعالیت ها، از میان گزارش های واحدهای فدائی در داخل کشور، بخشی از فعالیت های تبلیغی فدائیان خلق را در تهران طی ماههای اخیر برای انتشار برگزیده ایم که در زیر می خوانید.

شهرها خیلی سریع شروع شد. ۴۸ ساعت پس از اصابت اولین موشک به تهران، اولین تراکت ما در سطح شهر پخش شد. بعد از آن تراکت های متنوع دیگری در مورد پایان دادن به جنگ و ضرورت صلح پخش کردیم. "تراکت" بگو!

تراکت را بخوانند. بلند بلند تک تک حروفها را هجی می کردند و کلمات را می خواندند. توجه همه سر نشینان به این صحنه جلب شده بود. چند جوان اعلامیه را از دست دختر بچه ها می گیرند و می خوانند. پس از خواندن آن را

خبرنامه کار

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

گروه کار

شماره ۱ خرداد ماه ۱۳۶۷

فراخوان کسبه مرکز سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

برای نیروهای دگر نیک سپهر

بمناسبت جایگاه تازه رژیم خمینی

نیروهای آزاد بخیر ایران در بنده
رژیم حوانده

اخبار:

☆ رژیم خمینی بدنبال شکست های بی دریغ چند ماهه است. چنانچه:

هابر پیاده میدان انقلاب به پرواز درآمد که در همان دقائق اول موجب ترافیک و راهبندان شد. تارسیدن مزدوران، اعلامیه ها برداشته شده بود.

از بالای ساختمانی در سهراب آذری نیز اعلامیه ها به زمین ریخته شد.

در یکی از میدانهای مرکزی شهر کرج صدها تراکت از بالای یک ساختمان به زیر ریخته شد. در آن روزها کرج محل تجمع فراریان موشک بارانها بود و خیابانهای این شهر مملو از جمعیت بود.

بر روی پل حافظ یک پلاکارد

بر میگردانند و می گویند: "بخوانید و بعد به کسی که گرفتی پس بده..." یکی دیگر از جوانها با خنده اضافه کرد: "منظور اینست که بعداً بده دیگران هم بخوانند..."

یک واحد پخش موتور سوار وارد زمین خاکی فوتبال شد که جوانان محله مشغول بازی بودند. موتور به سرعت وسط زمین رفت و رفیقی که ترک موتور سوار بود اعلامیه را میان بازیکنان پخش کرد. حضور ناگهانی، سرعت عمل و جسارت رفقا تأثیر فوق العاده ای بجا گذاشت.

مرگ بر جنگ" خیلی مورد توجه قرار گرفت. اعلامیه همدردی فدائیان با مصیبت دیدگان موشک باران شهرها تأثیر مثبتی بجا گذاشت. این اعلامیه را خیلی وسیع توزیع کردیم. طی این مدت اعلامیه ای مربوط به ۱۹ بهمن، تراکت های مربوط به جنگ، تراکت در افشای انتخابات، تراکت های روز کارگر، اعلامیه شهادت رفیق محمود زکی پور و "به یاد قهرمان" ویژه نامه شهادت رفیق انوش را پخش کردیم.

*صدها تراکت اول ماه مه را در

*اعلامیه های سازمان درباره موشک باران تهران، صلح، روز کارگر و... به طور وسیع در سطح شهر پخش شده است. خبر این پخش وسیع به شهرستانها هم رسیده است. علاوه بر این رفقای ما خبر دادند که در قائم شهر و رشت هم اعلامیه ها پخش شده است. تیراژ پخش واحدها تا پیش از پخش ویژه نامه رفیق انوش ۱۷۰۰۰ برگ بوده است. برخی از پخش ها از بالای پلهای هوایی، ساختمانهای بلند، در سینماها، روبروی کارخانجات، صف اتوبوس و داخل اتوبوسها انجام شد. همه موارد پخش با موفقیت به پایان رسید. یکی از بهترین کارهای ما پخش تراکت های روز کارگر در پیکان شهر - محل سکونت کارگران ایران ناسیونال - بوده است. ما تبلیغ روز کارگر امسال را بنام شهید فدائی قهرمان محمود زکی پور انجام دادیم. (رفیق زکی پور، سازمانگر تظاهرات کارگران در اول ماه مه ۱۳۵۸ بود.)

پیام فدایی

شماره ۱ بهمن ۶۶



از سیاهچالهای رژیم...

زنجان اولین

چندی پیش در بنزنان زنجان اعتراضی شد گرفت این اعتراض در پی خود کشی يك دختر و بستگوش یافت این دختر که متنی به جهت بازپرس مجدد اعدام شد... دوستان

امروز در بیمارستان لیبانی نژاد در بخش پیوند چشم همچنان از چشم‌های اعدام‌شدگان سیاسی استفاده می‌کنند. گفته می‌شود چشم‌های يك انسان تا مدتی پس از مرگ قابل استفاده برای پیوند می‌باشد. در بخش پیوند کلیه این بیمارستان همه

کارخانه لیلاند، مؤثر نیز مانند بسیاری از کارخانجات خط ولید خود را تغییر داده و در حال حاضر تنها از ارتش و سپاه سوارش می‌گیرند در تولیدات جدید. بجای آمبولانس‌ها، خنک با اطاق عمل و به جای وانت ماشین آتش‌نشانی تولید می‌کنند مدیریت کارخانه به جمعی از بازدارندگان گفته است "گروه‌های این ماشین‌ها هم با مواد شیمیایی و هم با مواد خاموش‌کننده پر می‌شوند". کارخانه مینو تولید خود را تنها به صادرات اختصاص داده است. ۹۰٪ تولیدات به خارج صادر می‌شوند و تنها ۱۰٪ آن ضایعات می‌باشد به مصرف داخلی می‌رسد. معاون سپاه یکی از مناطق جنوب شهر به کارخانه ای -

رنگا بهمد همین سال حیات هرافشار خود را اینگونه آغاز کرده، فعالانه در جنبش‌ها و جنگ‌ها ملحق گردیده مردم شرکت‌کننده به همه توان و ابتکار در جهت سازندگی مبارزه با رژیم پهلوی جنگ و جنگا فروزان با تشکیل کتبه‌ها و دسته‌های ملحق تلافی‌جویی. «سیاستهای سرک‌گرا» استقلال شکنانه غارتگرانه و سرایید پروانه مردم را تا به آخر افشا کنید. و در این راه هیچ فرصت انکاری را از دست ندهید. «آرمانهای سربالایی و اندیشه‌های بکرانیک را در میان زحمتکشان اشاعه دهید. «در راه تأمین اتحاد گسترده همه نیروهای انقلابی، دگرگونی و ترقی خواه همین مان همه ابتکارات را بکار گیرید. برای مشخص کردن همه نیروهای ملحق خواه و آزادی خواه ضد رژیم پهلوی از هیچ گونه تلاش باز نایستید. «نام هرافشار خانی خلق را همیشه به شیرین مردم به یادگار در میان توده‌ها و در درجه اول کارگران و معزیز کارگران واحد‌ها صنعتی بزرگرا تشدید کنید. «دسته‌های متنی کارگری و واحد‌های سازانی را در کارخانجات سازان دهید. «با همه توان در راه حفظ ارتقا، کثرت و کارایی واحد سازانی خود بکوشید. «راه ایجاد واحد‌های هوادار سازان بکار گیرید

پیروزی با مبارزه خلق در راه سوسیالیستی جمهوری اسلام

اتفاق جاردان بر همه شهیدان خلق درود پرزنده انبان سیاسی قهرمان ایران برقرار باد اتحاد وسیع در دفاع از جان فرزندان مردم مرگ پرورم مستقیم و خونریز غمینی

فروکش کردن درگیری‌های جنگی

عراق در شامگاه روز جمعه ۷ مرداد (۲۹ ژوئیه) اعلام کرد که ظرف ۴۸ ساعت نیروهای خود را به پشت مرزهای بین‌المللی عقب می‌کشد. عراق در هفته گذشته چند بار دیگر صحبت از عقب‌نشینی کرده بود، با این وجود درگیری‌های جنگی ادامه داشت. رژیم ادعای کرد که عراق را عقب می‌راند و عراق از عقب‌نشینی ارادی پس از گرفتن ۱۲۵۰۰ اسیر تازه سخن می‌گفت. درگیری‌های خونین که عمدتاً در جبهه جنوبی (منطقه شلمچه و شمال خرمشهر) متمرکز بود، ابوهی از کشته و زخمی به جانهاد. رژیم کوشید از حملات عراق بیشترین استفاده تبلیغی را در داخل کشور و نیز در سطح جهانی به عمل آورد. خمینی خود فرمان بسیج جنگی داد و رژیم برای به راه انداختن ماشین تبلیغاتی حتی مجلس را تعطیل کرد تا نمایندگان نیز به اصطلاح راهی جبهه شوند. دانشگاهها را بستند تا همه دانشجویان را روانه جبهه کنند. حتی تا آستانه تعطیل کردن

وزارتخانه‌ها نیز پیش رفتند. عراق حملات خود را زمانی با هدف گرفتن اسیر بیشتر و زمانی با قدرت نمایی و گرفتن آخرین زهرچشم از جمهوری اسلامی توجیه می‌کرد. رژیم خمینی نیز از درگیری‌های تازه برای توجیه خط جنگ طلبانه‌ای که هشت سال

خونریزی و ویرانی به بار آورد، استفاده می‌کرد. اکنون هردو رژیم دم از پیروزی در درگیری‌های خونین هفته پیش می‌زنند. در منطقه کردند و اسلام‌آباد غرب، حمله نیروهای سازمان مجاهدین که منجر به تصرف این

مذاکرات جاری در سازمان ملل برای تعیین تاریخ آتش‌بس

به تعویق افتادن زمان برقراری آتش‌بس، تبدیل کند. مذاکره مستقیم یکی از شرایط برقراری صلح است. شرط اصلی دست کشیدن از دعوای مختلفی است که حاصل روند تازه را در نهایت صلح مسلح خواهد کرد. مردم ایران و عراق صلح نمی‌خواهند. برقراری آتش‌بس به خودی خود به معنی صلح نیست. صلح مسلح دوباره ممکن است بطور هیئتی زمینه ساز تداوم جنگ شود.

این زمینه مدام طغره می‌رود و در پایان مایل است مذاکره مستقیم در سطوح پایینی صورت گیرد. طغره رفتن رژیم از مذاکره مستقیم را باید محکوم و افشا کرد. طغره رفتن در این زمینه در بهترین حالت از مذاکرات جاری چیزی جز آتش بسی که با تشنج آفرینی‌های دو طرف همراه خواهد بود، به بار نخواهد آورد. عراق نیز محق نیست که امر اصولی ضرورت انجام مذاکره مستقیم را به بهانه‌ای برای

بقیه از صفحه اول
مناظر از تداوم درگیری‌های جنگی به دنبال حملات عراق در هفته گذشته بود. با این وجود این تاثیرگذاری تا حد بازگشت دادن روند پدید آمده پیش نرفت و در مذاکرات اختلال اساسی پدید نیامد. بی‌گمان تضمین آتش‌بس و برقراری صلح منوط به انجام مذاکرات مستقیم است. جمهوری اسلامی به ناچار به مذاکرات مستقیم تن خواهد داد اگر چه در

بخش‌های عمده یک گزارش
برگرفته از نشریه صنعت حمل و نقل
شماره ۸۶ چاپ تهران

گذربان راه‌آهن و سرکارگرش در محور تاکستان
از دنیای خود می‌گویند .

می‌خواهیم بچه‌هایم به روشنائی برسند

« رئیس کل راه‌آهن را می‌شناسی ؟
— نمی‌شناسم
« از مسئولان راه‌آهن چه کسانی را
می‌شناسی ؟
— فقط سرکارگرم را می‌شناسم — اونم
خونه‌اش همین بغله .
« وقتی بچه بودم راه‌آهن را اذیت
می‌کردم ، به قطارها سنگ پرت می‌کردم .
« از زندگی‌ات راضی هستی ؟
— به هیچ وجه
« چرا
— چون مسئولیت کارم زیاد است و حقوقم
کم .



نخستین خیابانی که بعد از میدان ورودی تاکستان — شهر انگور ایران — به جنوب این شهر راه می‌گشاید خیابان امام موسی صدر نام دارد . خیابانی است ۱۲ متری و پرتدد . یک آماریگری چشمی نشان داد در کمتر از دو دقیقه ۱۲ اتومبیل ، ۸ تاکسی ، ۴ وانت ، ۶ کامیون ، ۹ موتورسوار ، ۳ دوچرخه ، یک گاری ، یک قطار ، و ۶۴ نفر زن و مرد و بچه از یک نقطه ثابت این خیابان رفت و آمد دارند . آماریگری در یکی از شلوغ‌ترین ساعات تردد صورت گرفت : پنج بعد از ظهر شنبه ۶۷/۲/۱۱ به هنگام تعطیل مدارس و بازگشت بزرگسالان از سرکار یا خرید .

صحنه تراکم در این خیابان در روز سه بار تکرار می‌شود . صبح ، ظهر ، عصر . همه اینها — پیاده و سواره — در طول روز مجبورند از روی ریل آهنی بگذرند که از شرق به غرب ، عرض خیابان را قطع می‌کند و با جاده اصلی محور قزوین — زنجان حدود ۱۵۰ متر فاصله دارد .

در شمال شرقی تقاطع خیابان و راه‌آهن یک سرپناه موسوم به اتاق نگهبانی با حدود ۱۲ متر مربع مساحت وجود دارد و دو میله بلند به طول تقریبی هر کدام ۱۵ متر که در دو سمت خط‌آهن با رنگهای مختلف سر به آسمان کشیده‌اند . در طول مسیر خط‌آهن که به موازات جاده اصلی محور قزوین — زنجان از وسط شهر می‌گذرد هیچ جا علائم هشداردهنده و یا حفاظی برای جلوگیری از ورود افراد ، بخصوص کودکان به حریم راه‌آهن به چشم نمی‌خورد .

جلوی اتاق نگهبانی و در فضای باز چند مرد میانسال نشسته‌اند و از روزگار و خاطرات گذشته می‌گویند . یکی از اینان گذربان راه‌آهن است . او ماموریت دارد هنگام عبور قطار ، میله‌ها را با دست پائین بیاورد و عرض خیابان را به منظور جلوگیری از عبور و مرور وسایط نقلیه و اشخاص مسدود کند تا قطار رد شود . این صحنه بطور متوسط هر ساعت یک بار تکرار می‌شود . گفتگو با این گذربان در جمع هم صحبت‌هایش صورت گرفت . جمع ، وقتی از قصد گفتگو آگاه شدند با کنجکاری و احتیاط سکوت اختیار کردند : " شاید — مامور یا بازرس و یا ... باشد " . ولی با واسطه یک آشنای محلی قوت قلب پیدا کردند و گذربان به این امید که شاید درد دل‌هایش به گوش مسئولان راه‌آهن برسد گرم گفتگو شد . در میان صحبت‌ها ، سرپرست گذربان نیز با بچه‌ای در بغل به جمع پیوست و در این گفتگوی رودررو مشارکت کرد .

« گذربان ابتدا خود را چنین می‌شناسد :
— محمد طاهری هستم . هفده سال سابقه کار در
راه‌آهن دارم . تا دوم اکابر درس خواندم ،
ده سر عائله را خرج می‌دهم ، هفت تا بچه ،
یک مادر پیر از کار افتاده ، خودم و زنم . حقوقم
خالص در ماه ۴۷۰۰ تومان است . سالی ۹۶۰۰
تومان هم حق عائله‌مندی می‌گیرم . چون جمعه‌ها
هم مجبور هستم کار کنم در ماه ۵۰۰ تومان
هم بابت این کار می‌گیرم .
« بچه‌هایت درس می‌خوانند ؟
— پنج تا از بچه‌ها در مدرسه هستند . یکیش اول
نظریه ، دومی اول راهنمائی ، سومی پنجم
ابتدائی ، دوتاش هم که دو قلو اند اول ابتدائی اند
دوست داری بچه‌هایت چکاره بشوند ؟
— دوست دارم شغل‌شان برود بالا . مثل من
نیاشند .
« چطوری شغل‌شان بالا برود ؟
— مهندس بشوند یا دانشجو بشوند .
« شغل مهندسی بالاترست یا دانشجویی ؟
— نمی‌دانم ، ولی می‌خواهم بچه‌ها به روشنائی
برسند . منکه کورم .
در این موقع یکی از کسانی که در جمع این
گفتگو بود خطاب به گذربان می‌گوید : " ممد آقا !
بگو می‌خواهم بچه‌ها تاجر بشند " . گذربان می‌خندد ،
سر تسبیح قرمز رنگش را دور انگشتش می‌پیچد ،
سرش را تکان می‌دهد و می‌گوید :
— کو شانی !
« این دو میله بلند که سر به آسمان کشیده‌اند
چیست ؟
— این میله‌ها راه‌بند است .
« چطور بالا و پایین می‌رود ؟
— با دست
« ولی خیلی بلند و سنگین هستند ، امکان دارد
بشکنند ؟
— بارها این اتفاق افتاده و میله‌ها بریده شده‌اند
در این صورت اتومبیل‌ها و مردم را چطور متوقف
می‌کنی ؟
— با یک پرچم قرمز اتومبیل‌ها را متوقف می‌کنم
تا قطار رد شود .
« در ایران چند کیلومتر خط‌آهن وجود دارد ؟
— نمی‌دونم .
« چند نفر در راه‌آهن کار می‌کنند ؟
— نمی‌دونم .
« میدانی این راه‌آهن در چه سالی ساخته شده ؟
— نه
« رئیس کل راه‌آهن را می‌شناسی ؟
— نمی‌شناسم
« از مسئولان راه‌آهن چه کسانی را می‌شناسی ؟
— فقط سرکارگرم را می‌شناسم . اونم خونه‌اش همین
بغله .
« اصلاً " با قطار سفر کرده‌ای ؟
— در مدت ۱۶ سال خدمت فقط یک بار که آنهم
با خانواده‌ام به مشهد رفتم . اونم اول انقلاب
بود .
« بلیت قطار مجانی بود ؟
— نه ، پول دادم .
« ولی ظاهراً " راه‌آهن در این مورد برای کارکنان
خود سهمیه منظور کرده ؟

- بله ، ولی چون اول انقلاب بود ، گفتند نباید به دولت فشار بیاوریم . من هم با رضایت این کار را کردم .
- چند وقت به چند وقت می توانید از بلایت راه آهن استفاده کنید ؟
- هر پنج سال یکبار .
- مطمئنید هر پنج سال یکبار ؟
- نه ، مطمئن نیستم .
- اهل کجا هستی ؟
- تاکستان .
- از چه سالی این خط آهن در خاطرت است ؟
- از وقتی که خودم را شناختم ، این خط آهن وجود داشت .
- فکر می کردی روزی مأمور حفاظت از این خط بشوی ؟
- می خندد و می گوید :
- نه ، اصلاً " فکر نمی کردم . تازه وقتی بچه بودم ، مثل بچه های دیگر راه آهن را اذیت می کردم .
- چطوری اذیت می کردی ؟
- به قطارها سنگ پرت می کردم . فلز روی ریل می گذاشتم تا قطار از روش رد شه ، از این جور شیطنتها دیگه .
- در این هنگام مردی ۳۶ ، ۳۷ ساله با بچه های در بغل به جمع اضافه می شود . او سرکارگر است و بافق گذریان . گفتگو از اینجا توأمان با هر دو صورت می گیرد : سرکارگر خود را چنین معرفی می کند :
- من ناصر محمودی هستم . اهل کبک واقع در ۶ کیلومتری تاکستان .
- سمت شما در راه آهن چیست ؟
- مباشر یعنی چه ؟
- یعنی سرکارگر !
- کارت اساساً " چیه ؟
- نظارت ۲۴ کارگر و کار عملی تعمیرات و ریل و سوزن ، ۹ کیلومتر حوزه استحفاظی دارم ، از کیلومتر ۱۷۴ تا ۱۸۲ به اضافه ۴/۵ کیلومتر خط سیلو و ده دستگاه سوزن .
- چند کلاس درس خوانده ای ؟
- تا ششم ابتدایی .
- می بینم این نگهبانی حتی تلفن ندارد ، چگونه از آمدن قطار مطلع می شوید ؟
- در این موقع گذریان می گوید :
- با نگاه ، همیشه باید نگاهمان به خط باشد .
- از محمودی می پرسم :
- از زندگی ات راضی هستی ؟
- بهمیچ وجه !
- چرا ؟
- چون مسئولیت کارم زیاد است و حقوق کم . مشکلات زیاد دارم . بیماری اعصاب خانوادگی داریم . ارشیه دیگه ، این بچه که بغلم است یک پاش فلجه و برای معالجه اش هم بیمارستانهای دولتی تحویل نمی گیرند .
- یک زمانی راه آهن خودش بیمارستان داشت ؟
- بله ، داشت ، ولی الان از دستش درآورده اند . بیمارستان دیگه مال راه آهن نیست . رفته زیر نظرسبکه بهزیستی .
- چند تا بچه داری ؟
- پنج تا ، دوتا ش درس می خونند . دوم و پنجم
- ابتدایی اند .
- رئیس کل راه آهن الان کیه ؟
- نمی دونم .
- مدیرکل روابط عمومی راه آهن را می شناسی ؟
- او را هم نمی شناسم .
- اصلاً " راه آهن روابط عمومی دارد ؟
- نمی دونم .
- میدانی اداره " روابط عمومی یعنی چه ؟
- نه ، نمی دونم .
- از مسئولان و مقامات راه آهن چه کسانی را می شناسی ؟
- ما فقط با اداره " خط کار داریم .
- چطور شد این سمت را گرفتی ؟
- ۶ ماه دوره مقدماتی در راه آهن زنجان دیدم ، بعدش سرکارگر شدم . اخیراً " هم سمت مابشری به من دادند .
- فرق سرکارگر با مباشر چیه ؟
- هیچی !
- خوب ، این سمت جدید چه سودی برایست دارد ؟
- هیچ سودی ندارد ، فقط برای دلخوشک است از سال ۱۳۵۸ که سمتام تغییر کرد ، تأثیری در حقوقم نداشت ، با این سمت جدید هم حقوقم تغییر نکرد ، الان همان حقوق را می گیرم که در سال ۱۳۵۸ می گرفتم .
- حقوقت چقدر است ؟
- ۳۸۵۰ تومان .
- شغل ات را دوست داری ؟
- قبلاً " دوست داشتم ، ولی حالا نه .
- الان دلت می خواست چه شغلی داشته باشی ؟
- شغل آزاد
- مثل ؟
- مثل جوشکاری ، مکانیکی ، تراکاری اینهایی را که گفتی بندی ؟
- همه را بلدم
- چرا نمی روی دنبال این شغلها ؟
- سرمایه ندارم چون سرمایه ندارم باید کارگری کنم . کارگری اونجا هم بهتر از اینجا نیست .
- تا حالا مسافرت کرده ای ؟
- مأموریت زیاد داشتم ، ولی سفر برای گردش و تفریح نه .
- مهمترین مأموریتات کجا بود ؟
- شرکت در بازسازی خط اهواز - خرمشهر که به عنوان سرپرست از ناحیه " خودم در این مأموریت شرکت کردم .
- در این مأموریت چکار می کردی ؟
- کمپرسی هایی که شن می آوردند تخلیه می کردم سر ریل ها را تنظیم می کردم . صفحه های یو ، سی ، ۳ - ۲ - ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ۵ را که زیر ریل ها گذاشته می شود نظارت می کردم تا درست و با دقت کار گذاشته شوند .
- فکر نمی کنی حريم راه آهن را باید محصور کرد ؟
- چرا ، باید این کار را کرد
- چه کسی باید این کار را بکند ؟ شهرداری یا راه آهن ؟
- نمی دونم .
- این تقاطع چی ؟ فکر می کنی با این همه رفت و آمد یک راه بند دستی بتواند از بروز حادثه جلوگیری کند ؟
- به نظر من باید در این تقاطع و تقاطع دوم زیر گذر یا روگذر ساخت .
- منظورت پل زیرزمینی یا هوایی است ؟
- بله
- اخیراً " اتفاق افتاده کسی در این منطقه در اثر برخورد با قطار دچار حادثه شده باشد ؟
- چند وقت پیش یک زن با قطار تصادف کرد این بار دوشم بود که با قطار تصادف می کرد مثل این که دیوانه اس .
- یعنی فکر می کنی قصد خودکشی داشت ؟
- فکر می کنم می خواهد خودش را بکشد ، چون دیوانه اس .
- صد قدم بالاتر جاده اصلی محور قزوین - زنجان است که وسایط نقلیه سنگین و سبک با سرعت در آن در حال حرکت هستند ، آیا پیش آمده که این زن بخواهد خودش را در این جاده مثلاً " جلوی کامیون بپاندازد و خودکشی کند ؟
- مطالعه می کنی ؟
- جزوه های راه آهن را می خوانم
- می توانی بگوئی چه جزوه هایی را تا حالا خوانده ای ؟
- تنظیم کردن ریل ، تعمیرات سوزن ، پیچ بندی ، علف زنی ، تفکیک بالاست .
- کتاب هم می خوانی ؟
- بعضی موقع ها کتاب های مذهبی و دینی .
- آخرین کتابی که خواندی چه بود ؟
- یادم نیست .
- احساس کردم دیگر مایل نیست به سؤالاتم پاسخ دهد . گویی از این همه سوال و جواب بی حوصله شده باشد ، و یحتمل پشیمان . لذا از هر دو خواستم آرزویشان را بگویند :
- جنگ تمام بشود
- دو روز بعد از طریق همان واسطه " محلی آشنا پیامی رسید که اگر می شود این مصاحبه چاپ نشود ، دلیلش پرسیده شد ، پاسخ ترس و احتیاط را می رساند . اطمینان داده شد که این دلنگرانی بی مورد است و در توضیح بیشتر تأکید شد که آدمهای بالادست راه آهن هم مثل من و شما هستند و چیزی از کسی پنهان نیست ، همه باید حرفهایشان را بزنند و از خود تصویرهای واقعی بدهند تا برای بهتر شدن زندگی هایمان همدیگر را بشناسیم و بفهمیم . هنوز واسطه محلی دلوپس بود و راضی نمی شد . دست آخر به او گفته شد مسئولیت جبران هرگونه واکنش احتمالی به عهده این ماهنامه و خوانندگانش . کمی آرام گرفت و در رو درباریستی رضایت داد .

نقش و جایگاه اعتبارات یوزانس در اقتصاد کشور

بقیه از صفحه آخر

محرز می‌کند. بنا به گزارش موسسه ژاپنی "بررسی اقتصادی خاور نزدیک"، خسارات وارداً آمده به تاسیسات نفتی ایران، بالغ بر ۲۸ میلیارد دلار است. این در حالی است که کارشناسان بین‌المللی خسارات وارداً آمده را صدها میلیارد دلار اعلام می‌کنند. بنا به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس از کارشناسان اسرائیلی، میزان خسارات تخمین زده تا سال ۱۹۸۶ بالغ بر ۲۰۰ میلیارد دلار می‌باشد. این در حالی است که تنها خسارات وارداً آمده ناشی از جنگ نفتکش‌ها در دو سال اخیر، به همراه حملات سنگین طرفین به تاسیسات صنعتی، بر تخمین قبلی خسارات بسیار افزوده است. جمهوری اسلامی سال گذشته میزان خسارات وارداً آمده به ایران را ۳۰۷ میلیارد دلار اعلام کرده است.

نشریه اقتصادی فرانسوی "لآتریبون" همین چندی پیش به نقل از کارشناسان غربی اعلام کرد که جمهوری اسلامی برای بازسازی اقتصاد صنعتی خود، نیازمند ۸۰ میلیارد دلار و عراق محتاج ۳۰ میلیارد دلار می‌باشند. و این خود به نوعی بیان ادامه سیاست استقراضی از شبکه پولی خارجی است.

نقش پدیده اعتبارات یوزانس و وام‌های خارجی در اقتصاد پس از جنگ افزوده خواهد شد و این به معنی آن است که بستگی و وابستگی اقتصاد ایران به کشورهای امپریالیستی افزایش هر چه بیشتری خواهد یافت.

کاهش یافته است. به عنوان نمونه تولید نفت عراق که پیش از جنگ بالغ بر ۳/۶ میلیون بشکه در روز بود، در سال ۱۹۸۱ به ۱/۲ میلیون بشکه در روز کاهش یافت و در سال‌های اخیر، گرچه بواسطه سیاست دولت عراق در قبال اوپک - عدم پذیرش طرح وسقف سمیه‌بندی تولید نفت کشورهای عضو - تولید نفت عراق تا ۲/۷ میلیون بشکه در روز افزایش یافت ولی هرگز به سطح سابق نرسید. تولید نفت ایران نیز در سال‌های جنگ، به شدت کاهش یافت و بنا به اعتراف رژیم در بهترین حالت از ۱/۵ میلیون بشکه در روز تجاوز نکرد. این کاهش میزان تولید نفت، همراه با کاهش شدید بهای نفت در بازارهای جهان که از ۳۴ دلار برای هر بشکه - پیش از مارس ۱۹۸۳ به کمتر از ۱۰ دلار نیز رسید، باعث کاهش شدید درآمد ارزی هر دو کشور گردید. افزایش بهای نفت بدنبال تصمیمات اجلاس دسامبر ۸۶ اوپک، نیز تابدان پایه نبود که نیازهای ارزی هادی جمهوری اسلامی را جبران کند.

گرچه پدیده اعتبارات یوزانس در ایران محصول مستقیم جنگ است، ولی اینک سرنوشت آن به سرنوشت جنگ بستگی ندارد. بدیهی است که نقش یوزانس در اقتصاد پس از جنگ ایران حادام که تحولات سیاسی قاعده را برهم نریزد - افزایش خواهد یافت. نگاهی به خسارات و ویرانی‌های بر جای مانده در بخش‌های صنعت و کشاورزی، استفاده هر چه بیشتر از واحدهای خارجی را از سوی رژیم

ذخایر ارزی هنگفتی برخوردار بودند. ذخایر ارزی دهها میلیارد دلار ایران، اکنون تماماته کشیده است و استفاده از پدیده اعتبارات یوزانس، خود دلیل محکمی برای اثبات آن به شمار می‌آید و عراق نیز که در مقطع پیش از جنگ ۳۵ میلیارد دلار ذخیره ارزی داشت، اینک حدود ۶۰ میلیارد دلار بدهی خارجی دارد. بدین ترتیب، هم اعتبارات یوزانس در ایران - که به مراتب بیش از آمار رسمی است که مسئولین اقتصادی اعلام می‌کنند، و هم بدهی خارجی ۶۰ میلیارد دلار عراق، محصولات جنگ بشمار می‌آیند. در واقعیت امر، جنگ نه تنها ذخایر دهها میلیارد دلار ارزی هر دو کشور را بلعید، بلکه در ادامه خود "چاره" اخذ وام از کشورهای امپریالیستی را به هر دو کشور دیکته کرد. تنها نگاهی به مصارف نظامی دو کشور به وضوح نشان می‌دهد که خرید جنگ‌افزار تاکنون چه مقادیر هنگفتی از وجوه ارزی را بلعیده است. بنا به نظر کارشناسان بین‌المللی امور نظامی، در طول جنگ جمهوری اسلامی تا ۴۰ میلیارد دلار و عراق تا ۷۰ میلیارد دلار، مضاف بر هزینه‌های نظامی هادی خود - پیش از جنگ - صرف خرید تسلیحات و جنگ‌افزار کرده‌اند. خرید این مقدار جنگ‌افزار، و بموازات آن صرف مبالغ هنگفتی از درآمد ملی برای امور نظامی، در شرایطی صورت پذیرفت که درآمد ارزی هر دو کشور که عمدتاً وابسته به ارز ناشی از صادرات نفت می‌باشد، به شدت

خواهد بود از "خرید نسبه" از خارج. یعنی واردات نسبه کالا و خدمات از خارج اعتبارات یوزانس، هر نوع خرید نسبه‌ای هم نیستند، چه در مبادلات بازرگانی خارجی، وجود یک تاخیر فاز در پرداخت ارزی کالاهای خریداری شده، قابل تصور است. دولتها و واحدهای خصوصی کشورهای مختلف از و ما بهای کالاهای و خدمات مورد مبادله را آنرا رد و بدل نمی‌کنند و بدیهی است این را هم می‌توان نوعی خرید نسبه به حساب آورد. اما یوزانس، به این نوع خرید اتلاق نمی‌شود. اعتبارات یوزانس، خرید نسبه کالا و خدماتی است که هزینه آنها در یک زمان بالنسبه طولانی بنا به قرارداد طرفین - پرداخت می‌شود. بدین ترتیب پدیده اعتبارات یوزانس بیش از آنکه "خرید نسبه" باشد، استقراض از "شبکه پولی" خارج از کشور است و نوعی دریافت وام محسوب می‌شود؛ وامی با پرداخت طولانی!

استفاده از وام‌های خارجی، بر بستر "مشارکت سرمایه‌ای" در هر صدهای اقتصادی، هم در کشور ایران و هم در کشور عراق، تا زگی ندارند، اما یوزانس و اخذ وام‌های خارجی امروزین هر دو کشور ایران و عراق با "بستگی"‌های سرمایه‌گذاریهای سابق تفاوت داشته و به لحاظ مضمونی چیز دیگری هستند. هم بدهی خارجی کلان عراق و هم پدیده یوزانس در ایران از جمله ره‌آوردهای جنگ بحساب می‌آیند. حقیقت اینست که هم ایران و هم عراق پیش از جنگ از

تلاش برای حل سیاسی مسئله کامبوج

بقیه از صفحه آخر

طرف‌های مخاصمه تا ماه دسامبر سال جاری به مطالعه جوانب مختلف راه حل سیاسی خواهند پرداخت. سپس دیدار مجددی از رهبران عالی‌رتبه نیروهای سیاسی انجام خواهد گرفت.

وزیر خارجه اندونزی که ریاست جلسات را بر عهده داشت، تاکید کرد همه طرف‌های شرکت کننده در مذاکرات اعلام کرده‌اند خواهان حل سیاسی مسئله هستند و به هم پیوندی و لازم‌الاجرا بودن چهار اصل در این راه حل اعتقاد

دارند این چهار اصل عبارتند از خروج نیروهای ویتنامی از کامبوج، جلوگیری از تکرار فجایع دوره حکومت پول‌پوت، قطع هرگونه مداخله خارجی و قطع صدور اسلحه به هریک از طرف‌های مخاصمه در کامبوج.

هون سن نخست وزیر کامبوج در بازگشت از اندونزی بار دیگر تاکید کرد باند پول‌پوت باید خلع سلاح شود و تحویل سلاح از سوی چین و کشورهای شرقی به این باند باید پایان پذیرد.

آرایه بیلانی از انقلاب کوبا توسط کاسترو

بقیه از صفحه آخر

خواهد کرد تا دریابد برای رشد خود، چه چیز را می‌تواند از آن بگیرد.

فیدل کاسترو سپس به وضع جنوب آفریقا پرداخت. وی در مورد عملیات نظامی واحدهای آنگولا و کوبا گفت هدف حمله اخیر، نه دستیابی به پیروزی نظامی، بلکه هموار کردن راه حل مسئله از طریق مذاکرات بوده است. کاسترو اظهار داشت دخالت مستقیم نیروهای کوبایی در حمایت از واحدهای آنگولا در نزدیکی شهر کوئیتو کواناوال علیه نیروهای آفریقایی جنوبی و باند

اونیتا در پایان سال ۱۹۸۷، به تقاضای مبرم دولت آنگولا انجام گرفت. وی افزود در همین حال این کار برای تأمین امنیت نیروهای کوبایی و جلوگیری از گسترش خطرناک عملیات جنگی در این منطقه، ضرورت داشته است. کاسترو در مورد مذاکرات چهار جانبه آنگولا، کوبا، آفریقایی جنوبی و آمریکا گفت این مذاکرات در آستانه دستیابی به یک راه حل سیاسی است. وی افزود امکان دستیابی به توافقی فراهم آمده است که برای همه طرف‌ها عادلانه و شرافتمندانه باشد.

شکست مانور تبلیغاتی ضیاءالحق

ضیاءالحق دیکتاتور پاکستان که با طرح ادعای متوقف شدن خروج نیروهای شوروی از افغانستان و بازگشت ۱۵ هزار تن از این نیروها به افغانستان، قصد داشت موارد نقض قرارداد های ژنو از سوی پاکستان را موجه جلوه دهد، با شکست سختی مواجه شد. کمتر از یک هفته پس از طرح ادعای ضیاءالحق، وزیر خارجه اش مجبور شد پس از ملاقات با جرج شولتز وزیر خارجه آمریکا در واشنگتن، به نادرستی ادعای ضیاءالحق اعتراف کند. وزیر خارجه پاکستان مدعی شد «اشتباه» ضیاءالحق به علت دریافت اطلاعات نادرست از یکی از کارکنان سازمان ملل بوده است. وزارت خارجه شوروی در بیانیه ای، افزایش ضیاءالحق را شدیداً محکوم کرد و آن را در خدمت انحراف اذهان از نقض قرارداد های ژنو توسط خود پاکستان دانست. در روز هید قربان (یکشنبه هفته گذشته) ۱۵ حمله موشکی دیگر به کابل صورت گرفت. ۱۲ نفر، از جمله ۶ کودک و یک زن، قربانی این حملات شدند و ۱۸ نفر مجروح گشتند. در مسکو اعلام شد تاکنون بیش از ۳۵ هزار تن از نیروی ۱۱۵ هزار نفری شوروی که تا ماه مه سال جاری در افغانستان مستقر بود، به میهن بازگشته اند. در ۱۸ استان افغانستان دیگر سربازان شوروی حضور ندارند.

از میان دیگر رویدادها

● در روز دوشنبه ۲۵ ژوئیه، ساکنان مناطق اشغالی فلسطین با برگزاری یک اعتصاب همومی و سراسری، علیه اشغالگران دست به اعتراض زدند. در نوار غزه درگیری های شدیدی میان مردم و صهیونیستها روی داد. یک دختر ۱۳ ساله فلسطینی به ضرب گلوله صهیونیستها کشته شد.

● پلیس رژیم بینوشه با گاز اشک آور و باتوم به تظاهرات زنان سانتیاگو علیه ریاست جمهوری مجدد دیکتاتور حمله ور شد. ۴ تن از زنان دچار شکستگی استخوان و ۱۵ تن از آنان بازداشت شدند.

● بدنبال چندماه درگیری خونین در برمه، طی یک کنفرانس فوق العاده حزب سوسیالیست، حزب حاکم این کشور، اونهاوین دبیر کل حزب و چند تن دیگر از رهبران حزب از مقام خود برکنار شدند. اوسئین لوین، به مقام رهبر جدید حزب برگزیده شد. وی همچنین از سوی پارلمان برمه به ریاست جمهوری انتخاب گردید. در انگون پایتخت برمه اعلام شد رهبری جدید کشور تون تین نخست وزیر برکنار شده را مسئول حوادث خونین اخیر می داند. در جریان این حوادث، چندی پیش تعدادی از دانشجویان دستگیر شده در یک تظاهرات، توسط پلیس به قتل رسیدند.

● احزاب اپوزیسیون و سازمانهای زنان بنگلادش به طرح رژیم ژنرال ارشاد برای اعلام اسلام بعنوان مذهب رسمی، اعتراض کردند. این طرح، زمینه ساز تحکیم رژیم دیکتاتوری و استفاده از مذهب بدین منظور است.

پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

کنفرانس سراسری حزب یک ماه پیش تصمیم گرفت نظام سیاسی اتحاد شوروی بگونه ای اصلاح شود که عالی ترین مقام تصمیم گیرنده در مورد مسائل جاری سیاست داخلی و خارجی، رئیس جمهور اتحاد شوروی باشد. اکنون باید این تصمیم به صورت لایحه ای قانونی، شکل اجرایی به خود بگیرد. از این رو دفتر سیاسی، پلنوم کمیته مرکزی حزب را فراخواند.

در روز جمعه ۲۹ ژوئیه، پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در مسکو آغاز به کار کرد. در دستور کار این پلنوم، بررسی مسائل اصلاح نظام سیاسی، وضعیت توزیع کالاها و مسائل ملی در اتحاد شوروی قرار داشت. میخائیل گارباجف دبیر کل حزب در پلنوم به ایراد سخنرانی پرداخت. مشروح گزارش کار این پلنوم در شماره آینده درج خواهد شد.

دستگیری ۱۴۰۰ کارگر اعتصابی توسط پلیس کره جنوبی

برای کارگران ایجاد کرده اند، یکی از هلال بالا بودن آمار سوانح کار، وجود هفته کار بطور متوسط ۵۴/۷ ساعته در کره جنوبی است.



در حمله پلیس کره جنوبی به یک تظاهرات دانشجویی، یک فرد پلیس یک زن دستگیر شده را به زیر لگد گرفته است.

در روز سه شنبه ۲۶ ژوئیه، پلیس کره جنوبی بیش از ۱۴۰۰ تن از کارکنان راه آهن این کشور را بازداشت کرد. این اقدام در پاسخ به اعتصابی صورت گرفت که راه آهن کره جنوبی را تقریباً بطور کامل متوقف کرد. ۴۵۰۰ مامور پلیس در همه شهرهای بزرگ کره جنوبی به دفاتر سندیکای کارگران و ایستگاه های راه آهن حمله کردند. تنها در سئول در جریان یورش پلیس به ساختمان سندیکای کارگران راه آهن، ۵۰۰ نفر بازداشت شدند.

هدف از اعتصاب، بهبود شرایط کار و افزایش دستمزد بود. دولت کره جنوبی این اعتصاب را غیر قانونی اعلام کرد.

طبق آمار رسمی وزارت کار کره جنوبی، در سال ۱۹۸۷، ۱۴۲۵۹۶ کارگر در حوادث کار مجروح یا کشته شدند. این رقم، معادل ۲/۶ درصد کل شاغلان در این کشور است. آمار سوانح کار در کره جنوبی بالاترین رقم دنیاست. از میان این سوانح، ۲۵۲۴۴ حادثه هوائی دالهی

هادی شدن تدریجی اوضاع در ارمنستان و قره باغ

دفتر کمیته مرکزی حزب کمونیست ارمنستان به اتفاق آرا تصمیم هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی در مورد قره باغ را مورد تایید قرار داد.

در مصوبه رهبری حزب کمونیست ارمنستان آمده است تصمیم هیئت رئیسه، با احساس مسئولیت در قبال سرنوشت خلق های ارمنستان و آذربایجان و سایر خلق های اتحاد شوروی گرفته شد و در شرایط حاضر، هر تصمیم دیگری مقایر با منافع واقعی خلق های هر دو جمهوری می بود و لطمه ای جدی به مناسبات میان ملیت ها وارد می کرد.

خبرگزاری تاس، رهبری حزب کمونیست ارمنستان، دلیل اوضاع ایجاد شده در این جمهوری را «ندانم کاری ها و خطاهای فاحش در کار سیاسی، سازمانی و ایدئولوژیک کمیته ها و سازمانهای پایه حزب» دانست.

رهبری کمونیست ارمنستان همچنین از خود به علت برخورد سطحی به مسائل و تشخیص ندادن خطر سیاسی خواست تجدید نظر در تقسیم بندی ملی- منطقه ای موجود انتقاد کرد.

روزنامه پرودا در روز چهارشنبه ۲۷ ژوئیه گزارش داد آنگه هادی کار در ارمنستان دوباره احیاء شده است.

با این حال این روزنامه می افزاید فضای سیاسی در جمهوری ارمنستان کماکان پیچیده است.

پرودا تاکید می کند رهبر قلم کار و روشنگرانه، هنوز نمی توان گفت که اکثریت مردم ایروان نسبت به تصمیم هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی درباره قره باغ، تفاهم نشان می دهد. پرودا می نویسد در منطقه خودمختار قره باغ، پس از دو ماه اعتصاب، کار در همه کارخانه ها، موسسات حمل و نقل، فروشگاه ها و واحدهای خدماتی از سر گرفته شده است.

در روز سه شنبه ۲۶ ژوئیه از ۶ هزار کارگر ۱۷ کارخانه مهم قره باغ، ۴۷۰۰ نفر بر سر کار حاضر شدند.

پاروئیر آیریکیان رهبر ناسیونالیست های افراطی ارمنی که مقامات شوروی از او سلب تابعیت کرده اند، در آدیس آبابا پایتخت اتیوپی ویزی آمریکار دریافت کرد.

وی که از سالهای پیش خواستار ایجاد «ارمنستان مستقل» است، در هفته گذشته به خاطر دخالت در ناآرامی های اخیر از اتحاد شوروی اخراج شد.

نقش و جایگاه اعتبارات یوزانس

در اقتصاد کشور

جایگاه اعتبارات یوزانس در اقتصاد کنونی کشور، ضرورت دارد به تعریف و شکل عملکرد پدیده یوزانس اشاره گردد.

اعتبارات یوزانس را، اقتصاددانان، اعتبارات خارجی قراردادها، طول مدت خرید کالا و خدمات، تعریف می کنند. این تعریف عیناً از سوی مقامات رژیم مورد بهره برداری قرار می گیرد. مسئولین امور اقتصادی رژیم می گویند تا با توسل به این "تعریف اقتصادی" از پدیده اعتبارات یوزانس، مضمون و ماهیت این اعتبارات را پوشیده دارند. هرگاه این "تعریف کلی اقتصادی" را به زبان سیاست ترجمه کنیم و به آن صراحت ببخشیم، اعتبارات یوزانس بنا به تعریف ساده شده آن، عبارت بقیه در صفحه ۱۵

مدتی است که جمهوری اسلامی در بودجه ارزی خود، محلی برای "اعتبارات یوزانس" باز کرده است. مسئولین امور اقتصادی رژیم و حتی مقالات و گزارش های اقتصادی رسانه های دولتی نیز از پدیده یوزانس در اقتصاد کشور سخن به میان می آورند. به عنوان نمونه، روزنامه دولتی کیهان در تاریخ ۱۱ تیرماه سال جاری در مقاله ای تحت عنوان "مروری بر بودجه ارزی کشور در سال ۱۳۶۷" با صراحت تمام اعلام کرده است که رژیم در بودجه ارزی سال جاری مبلغ ۱/۶ میلیارد دلار ارز را تحت عنوان "اعتبارات یوزانس" برای خرید کالاها و خدمات و اجرای طرح های سرمایه گذاری و نیازهای دفاعی منظور کرده است. برای روشن شدن نقش و

تلاش برای حل سیاسی مسئله کامبوج

است. مهمترین نکته مورد اختلاف میان دو طرح این است که سیهانوک بر تشکیل دولت ائتلافی پیش از انجام انتخابات پافشاری می کند اما دولت کامبوج بر این نظر است که تشکیل دولت ائتلافی باید به پس از انجام انتخابات موکول شود و ترکیب چنین دولتی را انتخابات باید تعیین کند. دولت کامبوج همچنین پیشنهاد کرده است یک شورای ملی مصالحه به ریاست سیهانوک تشکیل شود که وظیفه اصلی آن، سازماندهی انتخابات باشد.

نمایندگان اپوزیسیون که در ملاقات اندونزی شرکت داشتند، این پیشنهاد دولت کامبوج را رد کردند. اما سیهانوک حاضر به پذیرش ریاست شورای مصالحه ملی است. با پایان ملاقات اندونزی، اعلام شد یک گروه کار از نمایندگان همه بقیه در صفحه ۱۵

برای نخستین بار پس از ۱۵ سال، نمایندگان مهمترین جریان های سیاسی کامبوج به دعوت دولت اندونزی در نزدیکی جاگارتا گرد آمدند تا در باره حل سیاسی مسئله کامبوج مذاکره کنند. این دیدار، عنوان غیررسمی داشت و فاقد دستور کار و برنامه زمان بندی شده بود. نمایندگان دولت کامبوج و سه جریان متحد اپوزیسیون (خمرهای سرخ و دو نیروی سیاسی بورژوا - لیبرال و ناسیونالیست)، در مذاکرات اندونزی شرکت داشتند ریاست هیات نمایندگی دولت کامبوج را هون سن، نخست وزیر این کشور برعهده داشت. نوردوم سیهانوک رهبر سابق کامبوج در گفتگوها حضور نداشت، اما برای حاضران طرح تازه ای برای حل مسئله کامبوج ارسال داشت. دولت کامبوج نیز طرحی ۷ ماده ای برای پایان دادن به جنگ ارائه کرده

ارایه بیلانی از انقلاب کوبا توسط کاسترو

کمبود ارز ناشی از کاهش بهای دلار، افزایش بهای واردات و کاهش هواید صادرات و خشکسالی طولانی، تا سال ۱۹۹۰ ادامه خواهد یافت. کاسترو افزود این مسئله، دشوارترین مسئله اقتصادی کوبا پس از انقلاب است. رهبر کوبا اظهار داشت باید بیشتر اندیشید که چگونه می توان تولیدات داخلی را جایگزین واردات کرد و صادرات را افزایش داد. باین حال کاسترو تاکید کرد علیرغم مسائل ناشی از موقعیت مالی کوبا، در سال جاری در اکثر استانها رشد اقتصادی به چهار تا هفت درصد بالغ شده است. رهبر کوبا تلاش محافل امپریالیستی جهت سواستفاده از مسائل کنونی رشد در کشورهای سوسیالیستی برای بی اعتبار جلوه دادن سوسیالیسم را محکوم کرد و افزود هیچ کس نمی تواند موفقیت های اتحاد شوروی را که به لحاظ تاریخی بی سابقه اند، انکار کند.

کاسترو گفت هر کشور باید طبق شرایط مشخص خود، راه حل های خود را جستجو کند و به راه دیگران احترام بگذارد. وی افزود کوبا این روندها را به دقت دنبال بقیه در صفحه ۱۵

فیدل کاسترو رهبر کوبا طی یک سخنرانی بیش از سه ساعته به مناسبت سی و پنجمین سالگرد حمله به پادگان مونکا که آغازگر انقلاب کوبا شد، به ارائه بیلانی از انقلاب و موضعگیری پیرامون مهمترین مسائل داخلی و جهانی پرداخت. وی که در برابر بیش از ۲۵۰ هزار نفر در میدان انقلاب هاوانا سخن می گفت، نخست به دستاوردهای سوسیالیسم در کوبا اشاره کرد. وی گفت در استان سانتیاگو، امروز تقریباً بیست برابر میزان پیش از انقلاب انرژی الکتریکی تولید می شود. ظرفیت فزاینده نفت، از یک میلیون تن به ۳/۷ میلیون تن افزایش یافته است. تولید سیمان به ۴۵۰ هزار تن رسیده است که ۶۰ درصد بیش از ۳۵ سال پیش است. از آن هنگام تاکنون، شمار واحدهای مسکونی در استان سانتیاگو دو برابر شده است.

کاسترو بر ضرورت فلبه بر کاستی ها و پدیده های منفی، کاربست شیوه های علمی برنامه ریزی و مدیریت و افزایش بازده تولید و خدمات تاکید ورزید. وی سپس به موقعیت ارزی دشوار کوبا پرداخت. وی گفت

برای اشتراک نشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراک، تمبر پستی و یا رسید بانکی پرداخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراک	نشریه "کار"
۱۳ مارك	۱۱ مارك	☐ شش ماهه	☐ يك ساله
۲۴ مارك	۲۱ مارك		
دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراک	نشریه "اکثریت"
۳۰ مارك	۲۷ مارك	☐ سه ماهه	☐ شش ماهه
۵۸ مارك	۵۲ مارك	☐ يك ساله	
۱۱۵ مارك	۱۰۲ مارك		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 218
MONDAY, 1 AUG. 88

حساب بانکی:
AUSTRIA .WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

آدرس:
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید